

واژه‌نامهٔ گویش اردستان

دکتر قربانعلی ابراهیمی
عالم‌ساز عظیم‌پور اردستانی

سرشناسه	: ابراهیمی، قربانعلی، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: واژه‌نامه گویش اردستان / قربانعلی ابراهیمی، علیرضا عظیم‌پور اردستانی.
مشخصات نشر	: اصفهان: فردا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص.: جدول.
شابک	: ۸۵۰۰۰ ریال ISBN: 978-964-8757-29-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیاپا
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: اردستانی - - واژه‌نامه
شناسه الزوده	: عظیم‌پور اردستانی، علیرضا، ۱۳۳۱ -
رده‌بندی کنگره	: ۳۲۷۶ PIR / الف ۳۳ الف ۲ ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۹۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۱۲۶۷۱



نشر فردا

اصفهان: جهان‌باغ عباسی - جنب خیابان شیخ بهایی
پاساژ شکری - طبقه همکف
مؤسسه نشر فردا - تلفن: ۰۳۱۱ - ۲۲۰۱۵۸۸

واژه‌نامه گویش اردستان

قربانعلی ابراهیمی
علیرضا عظیم‌پور اردستانی

حروف نگار و صفحه‌آرا: مرضیه کوچک‌زاد
طرح جلد: شیرین معنوی
لینوگرافی: طلوع
چاپ: واژه
صحافی: پیمان
چاپ اول: ۱۳۹۰
تعداد: ۱۲۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای نشر فردا محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۵۷-۲۹-۳

فهرست مطالب

۷	راهی و آهی
۹	پیغامی چند
۱۱	پیشگفتار
۱۲	مقدمه
۱۳	موقعیت اقلیمی و نیروی انسانی اردستان
۱۳	شهرستان اردستان
۱۴	فعالیت های اقتصادی
۱۴	جمعیت و نیروی انسانی
۱۵	شهر اردستان
۱۵	وجه تسمیه اردستان
۱۶	پیشینه تاریخی اردستان
۱۸	آثار تاریخی اردستان
۱۹	محلات و مکان های تاریخی شهر اردستان
۲۱	مشاهیر اردستان
۲۴	گویش اردستانی
۲۴	پیشینه مطالعات گویش اردستانی
۲۷	نشانه های آوانویسی
۲۸	دیگر نشانه ها

بخش اول: ساخت آوایی

۳۱	درآمدی بر دستگاه آوایی گویش اردستان
۳۱	۱- توصیف واجی
۳۱	الف. صامت‌ها
۳۴	ب. مصوت‌ها
۳۶	ج. مصوت‌های مرکب
۳۷	د. فرایندهای آوایی
۳۷	۱- ابدال
۴۹	۲- حذف
۵۱	۳- افزایش
۵۲	۴- قلب
۵۲	هـ. توزیع واج‌ها
۵۲	۱- توزیع صامت‌ها
۵۲	۲- توزیع مصوت‌ها
۵۲	و. ساخت هجا

بخش دوم: صرف (ساخت واژه)

۵۵	۱-۲. مفرد و جمع
۵۵	۲-۲. مذکر و مؤنث
۵۵	۲-۳. معرفه و نکره
۵۶	۲-۴. اضافه
۵۶	۲-۵. حروف اضافه
۵۶	۲-۶. حروف ربط
۵۶	۲-۷. صفت
۵۷	۲-۸. صفت تفضیلی و عالی
۵۷	۲-۹. قید

۵۸	۲-۱۰- اعداد
۵۹	۲-۱۱- ضمیر
۵۹	۲-۱۱-۱- ضمائر شخصی
۵۹	۲-۱۱-۲- ضمائر شخصی منفصل (فاعلی)
۵۹	۲-۱۱-۳- ضمائر شخصی متصل (فاعلی = شناسه فعل)
۶۰	۲-۱۱-۴- ضمائر شخصی متصل (مفعولی)
۶۰	۲-۱۱-۵- ضمائر مشترک
۶۱	۲-۱۱-۶- ضمائر اشاره
۶۱	۲-۱۱-۷- ضمائر مهم
۶۱	۲-۱۱-۸- ضمائر پرسشی
۶۱	۲-۱۱-۹- ضمائر تعجبی
۶۱	۲-۱۲- فعل
۶۱	۲-۱۲-۱- ستاک حال
۶۲	۲-۱۲-۲- ستاک گذشته
۶۴	۲-۱۲-۳- فعل آینده
۶۵	۲-۱۲-۴- فعل امر
۶۵	۲-۱۲-۵- فعل مجهول
۶۵	۲-۱۲-۶- شناسه افعال
۶۶	۲-۱۲-۷- پیشواژه‌های نفی
۶۶	۲-۱۲-۸- صفت مفعولی
۶۷	۲-۱۲-۹- فهرست مصدرهای گویش اردستانی

بخش سوم: واژگان گویش اردستان

۷۶-۲۴۱	واژه‌نامه
۲۴۳	منابع

به نام خداوند جاز آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

راهی و آهی

همیشه و بی آنکه خود خواسته باشم در تاریک‌ترین شب‌ها یا روشن‌ترین روزهای زندگی‌ام که گاهی «فراغتی و کتابی» دست می‌داد، چه لحظه‌ای که در تکرار آینه‌های شاهچراغ شیراز در لحظه‌های ریش دعاها و آمین‌ها سرشار می‌شدم و غرق در جذبه‌های این زایر تنها از کوچه‌های پربهارنارنج شیراز عبور می‌کردم، یا زمانی که در تذکرة الاولیاء با حلاج «پوزار بر راه دسوار حقیقت و آزادگی می‌کشیدم»، یا با نیما «دست بر در می‌ساییدم» و با «دلی شکسته و هسته» «دریچه‌های بسته» اخوان را با همه جانم تجربه می‌کردم یا آنگاه که در شاهنامه بالای «سرو سخی» همه آرزوهایم ختم می‌آورد و «داستان پر آب چشم» آن رادمرد توسی را با دل تاریک خویش از پیش چشم می‌گذراندم و می‌آموختم از نظامی که «اگر جان‌فروشی در ادب نیست از عشقبازان سر می‌زند و این عجب نیست» و در شب‌های نیم‌باران شیراز که بی‌انگیزه و بی‌سبب «حرم ستر و عفاف ملکوت» بود، از آن پیر بلخی می‌آموختم که برای «شرح درد اشتیاق» هایم در جست‌وجوی «سینه‌ای شرحه شرحه» باشم و صدف‌وار قانع باشم و کوزه وجودم را پر دُر کنم و آینه‌های وجودم را مدام صیقلی کنم. یا هرگاه که چون «گدایان خیل سلطان شهربند هوای جانان» می‌شدم و از شیخ شیراز نشان سرچشمه‌های آب حیات را می‌پرسیدم و در پناه خواجه شیراز «بخت نیکخواه را رفیق سفر» خویش می‌کردم و در کنار «زنده‌رود و باغ کاران مدام صد رود را در چشم» داشته‌ام و با وصیت کلیم کاشانی که: «می و معشوق آماده، بساط غنچه بگشاده / عجب گر زنده‌رود اکنون تواند ز اصفهان رفتن» «دیگر نه پای رفتن، نه تاب ماندگاری» که همیشه درد «خزه کف‌جو» همین بوده است. در همه این شب‌ها و روزها، همیشه و همه‌جا، دل‌مشغولی بزرگ و همیشه من زبان فارسی بوده است. زبانی که: «چون عشق دلبرم، چون خاک کشورم، چون ذوق کودکی، چون بیت رودکی، چون ذره‌های نور بصر می‌پرستمش». اگرچه هنوز هم آنات

این معشوق قدسی را نمی‌دانم و نمی‌شناسم با وجود آنکه «همه عمر چو سگان سر بر آستانش نهاده‌ام»، اما بی‌اختیار در برابر واژه واژه‌اش و حرف به حرفش، «باز می‌لرزد دلم دستم، بازگویی در جهان دیگری هستم.» و می‌گویم که: «شناختمت به چشم معنی. عیم مکن الغریب اعمی».

باری این معشوق هزار چهره که «نقاب از چهره بر نمی‌فکند»، چهره شناس و شناخته‌اش همان «شیوه دری» است. اما شاخه‌های طوبایش، گویش‌های آن است که در سراسر این فلات سوخته و حاشیه‌های این فلات پراکنده است، پراکنده و ناشناخته. باید «غبار راه را نشانده تا نظر توان کرد»، که می‌توان قامت بلند این درخت عرشی را تجنمی دوباره بخشید، اگر همه شاخه‌ها و سرشاخه‌های آن را تصویر کنیم و اگر همه گویش‌ها و لهجه‌هایش را که روز به روز در حال کم‌رنگ شدن است گرد آوریم. «دریغا عمر که عنان گشاده رفت» و دریغا که «صدها هزار امید بنی‌آدم / طوقی شده به گردن فردا بر»

این جستار در پی این آرژوها شکل گرفت، و چند سالی را در خویش مغروق کرد. کتاب بارها بازنویسی شد، و با کمال جان و تن، آهسته‌آهسته شکل گرفت و بر خاک ایستاد، گل گرفت و میوه داد. در پی این مدیخ خویش. بگویم که بر این درخت از خاک برآمده میوه‌های ناری هم هست، چرا که هیچ‌گاه هیچ کار علمی تمام شده نیست، خالی از کاستی‌ها و کوتاهی‌ها نیست، شاید در یلدهای دیگری که در راهست به اصلاح شما پاکان و فرزندان چهره‌ای صیقلی‌تر از گویش اردستانی ارائه کنیم و تمام قامت این درخت پیر سایه‌فکن را بی‌هیچ میوه ناری بر حاشیه کوی به تماشا بگذاریم.

ایدون بادایدون تر آمین یا رب العالمین.

قربانعلی ابراهیمی. اصفهان، نوروز ۱۳۸۹

بیگامی چند

با درود به پروردگار بزرگ و بی‌همتا و درود فراوان به مردم سخت‌کوش و زحمت‌کش کویرنشین اردستان با توجه به علاقه وافری که اینجانب علیرضا عظیم‌پور اردستانی به زادگاه خود اردستان داشته و دارم، تصمیم گرفتم به تهیه مجموعه‌ای هر چند ناقص در زمینه واژگان اردستانی بپردازم به امید اینکه این تحقیق و تفحص گامی باشد در جهت تحقیق‌های کاملتری که بعدها صورت خواهد گرفت. در گردآوری این کتاب سعی شده حتی‌المقدور کاری بی‌عیب و نقص ارائه شود و تا آنجایی که ممکن است کلیه لغات و اصطلاحات گویش اردستانی جمع‌آوری گردد و از آوردن واژه‌های فارسی پرهیز شود. از طرفی جمع‌آوری این واژه‌ها کاری است سهل و هم ممتنع که در ظاهر به نظر ساده و آسان می‌نماید ولی در عمل با مشقت و دشواریهای بسیار همراه است زیرا این کار باید به صورت گروهی انجام بگیرد و نیاز به تخصص‌ها و رشته‌های گوناگونی در زمینه ادبیات، تاریخ، باستان‌شناسی، جغرافی، علوم اجتماعی، زیست‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و سایر رشته‌ها دارد. علاوه بر این با وسعت زیاد شهرستان و داشتن بیش از ۲۰۰ روستای کوچک و بزرگ و چندین محله با گویش و لهجه‌های گوناگون کاری است بس مشکل. لذا اذعان دارم که بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات در این مجموعه جمع‌آوری نشده. گذشته از این بسیاری از واژه‌ها در طول زمان به دست فراموشی سپرده شده، از طرف دیگر یک نفر به تنهایی نمی‌تواند مجموع دانش عوام و بومی یک شهرستان یا یک شهر و یا یک محله یا یک قبیله و یا یک صنف را به تمام و کمال و بی‌هیچ کم و کاستی جمع‌آوری کند زیرا بسیاری از واژه‌ها، کنایات، متلک‌ها، شوخی‌ها و مطالب محرمانه و اشارات، خاص یک طایفه و یا یک فرقه و یا یک صنف است مانند بسیاری از واژه‌ها و آداب و رسوم زنانه که با عوالم خاص بانوان ارتباط دارد و نیاز به فردی از افراد خود آنها دارد. از طرف دیگر اگر کسی بخواهد کلیه واژه‌ها،

ضرب‌المثل‌ها، فولکلور یا فرهنگ مردم و یا حتی اصطلاحات دامداری و کشاورزی اردستانی را به رشته تحریر درآورد هر کدام به تنهایی چندین جلد کتاب و به قول معروف مثنوی هفتاد من کاغد می‌شود. و اگر گردآورنده‌ای بخواهد حق مطلب را ادا کند و سنگ تمام بگذارد و مجموعه کاملی از واژه‌ها با اصول علمی گرد آورد بایستی علاوه بر داشتن وقت زیاد، پر حوصله، پرکار و شکیب و بردبار باشد. بسیار پیرسد، بسیار بشنود و بسیار بنویسد. ای کاش این کار مهم و مفید و ضروری لااقل یک قرن پیش صورت می‌گرفت و چیزهایی که تاکنون فراموش گشته و از بین رفته قبلاً به ثبت و ضبط رسیده بود. بعضی از واژه‌ها از نظر زیر و زبر و حرکت و تلفظ با واژه‌های متداول دیگر محلات متفاوت است و این تفاوت بدان جهت است که تلفظ این واژه‌ها در هر محله‌ای فرق می‌کند. در اینجا بر خود لازم می‌دانم که از همه کسانی که در گردآوری این مجموعه مرا یاری نمودند و نیز از مادر، همسر و فرزندان دلبندم که در این مدت طولانی و در این راه هرگونه سختی و دشواری را پذیرا شدند و نیز از آقای محمد گلبن و آقای حاج مرتضی شفیعی که در این پژوهش ناچیز مشوق اینجانب بودند تشکر و سپاسگزاری نمایم. در خاتمه از خوانندگان گرامی و اهل قلم و صاحب نظر و اهل فن تقاضا دارم که نقایص و معایب این مجموعه را تذکر دهند و با نقد و راهنمایی خود در بررسی‌های بعدی نظریات آن بزرگواران مورد بررسی و امعان نظر قرار گرفته و بتوان راه را هموارتر نمود.

با درود و سپاس فراوان

علیرضا عظیم‌پور اردستانی

زمستان - ۱۳۸۳

پیشگفتار

کتاب واژه‌نامه گویش اردستان که اینک پیش روی شماست، به بررسی یکی از گویش‌های مرکزی ایران در استان اصفهان می‌پردازد. این کتاب بر اساس مواد و مصالحی که از این گویش موجود است، فراهم آمده است.

کتاب از مقدمه و سه بخش شامل: دستگاه آوایی، صرف و واژه‌نامه تشکیل شده است. مقدمه کتاب موقعیت جغرافیایی، تاریخی، جمعیتی، فرهنگی و پیشینه مطالعات در گویش اردستانی و جایگاه این گویش در میان گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی را بررسی و توصیف کرده است.

بخش اول به مطالعه دستگاه آوایی گویش اردستان اختصاص یافته و در این بخش ساختار آوایی صامت‌ها و مصوت‌ها و فرایندهای واجی گویش مورد مطالعه قرار گرفته است. بخش دوم کتاب به توصیف دستگاه صرفی گویش اردستان پرداخته است. این بخش بسیار فشرده و خلاصه شده است و در بخش سوم که مفصل‌ترین بخش کتاب است تقریباً اکثر واژگان گویش اردستان را همراه با آوانویسی به خط فارسی و الفبای بین‌المللی همراه با برگردان واژگان به فارسی معیار فهرست کرده است. مواد و مصالح کتاب در محل گردآوری شده است و آقای علیرضا عظیم‌پور که از پژوهشگران خطه اردستان است، پیش از این اقدام به گردآوری واژگان این گویش از طریق افراد محلی و مردم منطقه کرده بودند. اما چون با مبانی گردآوری گویش آشنایی نداشتند، تمام واژه‌های جمع‌آوری شده ایشان دوباره آوانویسی شد و با افزودن مقدمه و دو بخش آوایی و صرف، شکل شایسته خود را یافت که اینک حاصل این کوشش و تلاش تقدیم علاقه‌مندان و پژوهشگران می‌گردد. این پژوهش مدیون مردم خوب اردستان است. پس فروتنانه آن را به همه مردم متدین، با فرهنگ، خوش‌خلق و مهربان این خطه کویری تقدیم می‌کنیم.

مقدمه

زبان فارسی، این درخت عرشی بی‌همال، اینک «سایه در سایه درافکنده» پیش چشم آفتاب به زیباتر وجهی در اهتزاز و جلوه‌گری است. گویش‌های ایرانی شاخه‌های طوبای آنند. گویش‌ها ذخیرهٔ زبانی و فرهنگی هر زبانی قلمداد می‌شوند. چونان رودهایی که به دریا می‌ریزند و به آن حیات دوباره می‌بخشند.

پاسداشت حرمت حریم این گویش‌ها خوبشکاری همهٔ آنانی است که قلبشان برای سرزمین ایران می‌تپد. آنان که با سلاح دانش همچون سربازان جبههٔ فرهنگ در عرصه‌ای دیگر به دفاع از زبان و فرهنگ کشور خویش همت می‌گمارند.

پژوهش و شناخت گویش‌های ایرانی می‌تواند به غنای واژگانی زبان فارسی کمک کند، به دستورنویسان و مصححان نسخه‌های خطی و زبان‌شناسان و ریشه‌شناسان کمک‌های شایان کند و از رهگذر ترسیم شمای کلی گویش، به جامعه‌شناسان فرصت مطالعات عمیق‌تر در لایه‌های اجتماعی، دینی و فرهنگی را خواهد داد. این مطالعات می‌تواند به زبان فارسی کمک کند تا دیرزمانی از وام‌گیری واژگان بیگانه بی‌نیاز باشد و به دنبال آن تا دیرزمانی در عرصهٔ رقابت جهانی میان فرهنگ‌های زبان‌های گوناگون پایداری کند.

بر این اساس، کتاب حاضر که به گردآوری گویش اردستان اختصاص یافته است به پیدایی آمد. همچنان که پیداست و با توجه به فصل‌های بعدی کتاب، پژوهشگران کوشیده‌اند، گویش اردستانی را که یکی از گویش‌های مرکزی ایران است، مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. علت این انتخاب، این بود که تاکنون دربارهٔ گویش اردستانی مطالعهٔ منظم و کاملی نشده بود و همچنان که در صفحات بعدی خواهد آمد به جرمه مقالهٔ خارجی مختصر، کار شایسته‌ای دربارهٔ گویش اردستانی انجام نگرفته بود. بر این اساس پژوهشگران تمام واژگان کاربردی گویش اردستانی را، بر اساس شیوه‌های رایج و مرسوم زبان‌شناختی جمع‌آوری، برگه‌نویسی و تدوین نمودند و سپس با اتکا به این یافته‌ها در ابتدای واژه‌نامه به بررسی و تحلیل یافته‌های خویش پرداختند. ضمن آنکه در همهٔ مراحل، پژوهش‌های پیشین دیگر پژوهشگران همچون چراغی پیش روی آنان بوده است و کوشیده‌اند دستاوردهای آنان را آگاهانه در تکمیل پژوهش خویش به کار برند.

موقعیت اقلیمی و نیروی انسانی اردستان

شهرستان اردستان

شهرستان اردستان [ardestān] با مساحتی در حدود ۱۲۵۹۰ کیلومتر مربع بین ۵۱° و ۵۵° تا ۵۳° و ۱۵° طول شرقی و ۳۲° و ۵۰° تا ۳۴° و ۲۵° عرض شمالی قرار گرفته است.

این شهرستان در شمال شرق اصفهان واقع شده است. اردستان از شمال به دشت کویر و نهایتاً (شهرستان گرمسار)، از جنوب به بخش کوهپایه شهرستان اصفهان، از جنوب غرب به بخش برخوار شهرستان برخوار از شرق به شهرستان نائین و از غرب به شهرستان‌های نطنز، آران و بیدگل محدود است.

ارتفاع این شهرستان نسبت به سطح دریا متفاوت است. حداقل ارتفاع آن در کویر اردستان ۷۵۰ تا ۸۰۰ متر و ارتفاع متوسط شهرستان اردستان ۱۲۰۵ متر است. رشته کوه‌های منطقه عبارت‌اند از: رشته کوه‌های شهریاری به ارتفاع ۲۴۵۵ متر، کوه پلنگ به ارتفاع ۲۵۵۲ متر، صادقی دول به ارتفاع ۲۵۸۸ متر در جنوب، کوه دَیان به ارتفاع ۲۹۵۴ متر در جنوب شرق، کوه لاگل به ارتفاع ۲۷۷۲ متر و رشته کوه‌های معروف و مرتفع دورو چمن که بلندترین سلسله جبال این شهرستان است که در جنوب غرب این شهرستان واقع است و قله آن ۳۰۰۳ متر ارتفاع دارد آب و هوای منطقه تحت تأثیر رشته کوه‌های محلی و کویر مرکزی ایران است، بنابراین دارای دو نوع آب و هوای بیابانی و کوهستانی است. ناحیه گرمسیر آن در شمال دارای آب و هوای گرم و خشک و نواحی جنوبی و کوهستانی آن دارای آب و هوای معتدل و خشک است.

میزان بارندگی سالیانه به سبب واقع شدن در حاشیه کویر کم خصوصاً در ناحیه گرمسیر، کم و مقدار تبخیر رطوبت زیاد است. رودخانه عمده دائمی ندارد و منابع تأمین آب شرب و کشاورزی، قنات‌های متعددی است که مادر چاه آنها اغلب واقع در دامنه کوهستان‌های جنوبی است. در سال‌های اخیر به جز چاه‌های عمیق که در منطقه حفر شده، یک خط لوله، آب شرب را از اصفهان به اردستان منتقل می‌کند. پوشش گیاهی منطقه به دلیل شوری خاک و قلیائی بودن آن بسیار فقیر است، و گونه‌های گیاهی آن عبارت‌اند از: تاغ، گز، کاوندول، اسفند، خارشتر، گون، خاکشیر، شکر تیغال، شیرین بیان و گونه‌های متنوع خارهای بیابانی.

فعالیت‌های اقتصادی

شغل اصلی اهالی کشاورزی و باغداری است. مهمترین محصولات منطقه عبارت‌اند از: گندم، جو، پنبه، کنجد، کرچک، علوفه دامی و صیفی جات و محصولات باغی پرثمر آن عبارت‌اند از: انار، انجیر، پسته، بادام، زردآلو، گردو، توت، انگور و قیسی.

کشاورزی در اردستان به علت کم شدن میزان بارندگی و آبدهی قنات‌ها رونق چندانی ندارد و فقط در مناطقی که امکان حفر چاه وجود دارد، کشاورزی نیز رونق دارد. دامداری نیز در منطقه به شکل سنتی رواج دارد. مراتع کوهستانی شهرستان یکی از مهمترین مراکز تعلیف احشام و دام‌های دامپروران است. قالی‌بافی از گذشته‌های دور در اردستان متداول بوده و قالی و قالیچه‌های اردستان از کیفیت بالایی برخوردار است. در گذشته صنایعی همچون: جاجیم‌بافی، کرباس‌بافی، گلیم‌بافی، عبا‌بافی و ابریشم‌بافی، بافت البسه و آهنگری نیز رواج داشته است. قالی و قالیچه، انواع و اقسام سنگ، نمک، انار، انجیر و صیفی جات، سبزیجات و دانه‌های روغنی و غلات و علوفه دامی از اقلام عمده صادراتی آن محسوب می‌شود. در حال حاضر بخشی از جمعیت اردستان به مشاغل اداری، صنعتی و خدماتی مشغول هستند.

جمعیت و نیروی انسانی

شهرستان اردستان با مرکزیت شهر اردستان دارای جمعیتی بالغ بر ۴۴۷۰۹ نفر (سرشماری سال ۱۳۸۵) است. از این تعداد حدود ۵۷ درصد شهرنشین و ۴۳ درصد روستائین هستند. و به لحاظ جمعیت پانزدهمین شهرستان استان اصفهان محسوب می‌شود که حدوداً ۲/۱ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. دین اهالی اسلام و مذهب آنها شیعه اثنی عشری است.

این شهرستان در حال حاضر مشتمل بر دو بخش است: ۱- مرکزی، ۲- زواره. و سه نقطه شهری به نام‌های: اردستان، زواره و مهاباد دارد. و دارای هفت دهستان به نام‌های: ۱- سفلی به مرکزیت روستای شهرباب ۲- ریگستان به مرکزیت تلک‌آباد در بخش زواره ۳- علیا به مرکزیت بقم ۴- برزاوند به مرکزیت نیسیان (نی) ۵- کچو به مرکزیت کچو مثقال ۶- همبرات به مرکزیت روستای کچو سنگ ۷- گرمسیر به مرکزیت روستای موغار.

شهرستان مجموعاً دارای ۱۴۷ روستای دارای سکنه و ۳۷۲ مزرعه مستقل و ۱۸۸ مزرعه تابع و ۱۰۲ مکان مستقل و ۳۲ مکان تابع و در مجموع دارای ۸۴۱ روستا، مزرعه و مکان است.

شهر اردستان

شهر اردستان بر لبه کویر مرکزی (کویر نمک) در فاصله ۱۱۵ کیلومتری شهر اصفهان در طول جغرافیایی ۵۲° و ۲۲° شرقی و ۳۳° و ۲۲° عرض شمالی قرار گرفته است. ارتفاع شهر نسبت به دریا ۱۲۰۵ متر است.

آب و هوای شهر اردستان گرم و خشک و دارای حدود ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت است. شغل اصلی اهالی اردستان به جز کشاورزی و باغداری و دامداری و صنایع دستی، مشارکت در کارهای اداری و خدمات شهری است.

وجه تسمیه اردستان

اردستان [ardestān] در گویش محلی [äsōn] نامیده می‌شود. (با حذف r و دماغی شدن o و ساییده شدن n در تلفظ). و در بین اهالی که به لهجه فارسی تکلم می‌کنند [ardestun] و [ardessus] تلفظ می‌شود. در منابع گوناگون فارسی و عربی تلفظ‌های متفاوتی برای این نام به چشم می‌خورد، که برخی از آنها به نقل از لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ‌های دیگر چنین است:

[ardastān] (به ضبط سمعانی)، [ardestān] به ضبط یاقوت، [erdestān] (به ضبط تقویم البلدان)، [ardestān]، [ardastān] (فرهنگ معین)، [ardestān] (دایرة المعارف فارسی مصاحب)، [Arusun] و [Ardesun] (دایرة المعارف اسلام)، [Arsun] (المنجد) و مرتضی شفیع اردستانی از منابع گوناگون عربی و فارسی این تلفظ‌ها را استخراج کرده است:

[ardastān] (مقدسی در احسن التقاسیم)، [argedastān] (سفرنامه صفاء السلطنة نابین، [argestān] (آتشکده اردستان رفیعی مهرآبادی)، [arjestān] (سید محمد محیط طباطبایی)، (گلبن، ۱۳۸۱: ۳۵۵).

در وجه تسمیه اردستان نظریات گوناگونی بیان شده که اهم آنها چنین است:

۱- مقدسی در احسن التقاسیم آورده است که: «چون زمین اردستان به سفیدی آرد است، آنجا را اردستان گفته‌اند.» (گلبن، ۱۳۸۱: ۹۵۶).

۲- و باز مقدسی در احسن التقاسیم، بنای اردستان را به دستان سام نسبت می‌دهد و کلمه اردستان را متحول شده «ارک دستان» می‌داند (گلبن، ۱۳۸۱: ۹۵۶).

۳- سید احسان‌الله هاشمی در مقاله اردستان گفته است: «اردستان را می‌توان از دو کلمه «ارد» به معنی مقدس (پاک و روشن) و «ستان» پساوند مکانی (یا محل) مرکب دانست که روی هم به معنی شهر مقدس می‌شود و این قول را وجود آتشکده مهر اردشیر، در این محل که مورخین همه درباره آن اتفاق نظر دارند، تأیید می‌کند. (گلبن، ۱۳۸۱: ۹۵۲). و هاشمی پایین‌تر می‌گوید که: «و اصولاً می‌توان اردستان را مأخوذ از همان نام اردشیر دانست» (همان، ۹۵۲).

۴- جکسون می‌گوید: نام اردستان خود دلیل قدمت این مکان است. زیرا کلمه اردستان یا به‌طور دقیق‌تر Ardaštāna aḡagama نامی است که در دوران هخامنشی به ساختمانی سنگی اطلاق می‌شده و مثلاً در تسمیه پنجره‌های سنگی کاخ داریوش در تخت جمشید به کار رفته است. (جکسون ۱۳۲۹: ۴۵۸).

ذیل نقل جکسون باید گفت که -ardastāna فارسی باستان را «کنت»، «قاب پنجره» معنی می‌کند. «کنت» یادآوری می‌کند که: جزء اول این کلمه یعنی arda در فارسی باستان «روشن» معنا می‌دهد. arda در ترکیب -ardata نیز دیده می‌شود. همین ترکیب در سنسکریت -rajata به معنی سفید است و در یونانی به معناهای «درخشیدن» و «نقره» است. «کنت» در مجموع ardaštāna را «مکان روشن» معنی می‌کند. (Kent, 1953:171). این ریشه‌شناسی و «معنای آن «مکان روشن» با ریشه‌شناسی جکسون و بعضی از ریشه‌شناسی‌های بالا همخوانی دارد.

۵- بعضی نیز اردستان را این‌گونه ریشه‌شناسی کرده‌اند: «ارد به کسر الف و سکون را نام فرشته‌ای است که موکل بر دین و مذهب است و تدبیر مصالح روز «آرد» که بیست و پنجم از هر ماه شمسی است بدو تعلق دارد.» (گلبن، ۱۳۸۱: ۳۵۷). یادآوری می‌شود که قول جکسون را اکثر محققان پذیرفته‌اند و به این اقوال با وجود ظاهرالصلاح بودن آنها چندان مورد پسند واقع نشده.

پیشینه تاریخی اردستان

اردستان یکی از قدیمی‌ترین نقاط ایران است. باور به این قدمت حتی در باورهای عامیانه نیز راه یافته است. امیرقلی‌امینی یکی از گردآورندگان «فرهنگ مردم» می‌گوید: «اهالی اردستان می‌گویند که سرزمین آن‌جا جزو املاک و تیول رستم دستان بوده و هر ساله مبلغ معینی به رستم می‌پرداخته‌اند و رستم در آن‌جا ارکی داشته است به نام

«ارک رستم دستان» که به مرور زمان تبدیل به کلمه «اردستان» شده است. پس از رستم چون شغاد به اردستان لشکر کشید و مردم زیر بار آن‌ها نرفتند، بر مردم جنگید و اردستان را گشود و شهر را به خرابه‌ای تبدیل نمود و خرابه‌هایی که اکنون در بیست و چهار کیلومتری اردستان واقع است همان شهر قدیمی است که به دست شغاد ویران گردیده و از آن تاریخ معروف شده است که اردستانی‌ها باج به شغاد ندادند. (امینی، امیرقلی، ۱۳۵۱: ۱۷)

عده‌ای نیز معتقدند که اردستان پایتخت اردوان چهارم اشکانی بوده و قصر باشکوهی در شمال محله قدیمی استون در نزدیکی مزار محله رامیان کنونی بر روی تلی ساخته بود که آن تل به «تل عاشقان» مشهور بوده است و هم اکنون نیز اهالی به آن «کپه عاشقان» گویند. (گلبن، ۱۳۸۱: ۳۵۸)

در آثار تاریخی گوناگون همچون: سنی ملوک الارض والانبیا حمزه اصفهانی، مجمل التواریخ والقصص، نزهه القلوب حمد الله مستوفی بنای آتشکده‌ای به نام آتشکده مهر اردشیر اردستان را به بهمن پسر اسفندیار معروف به «دراز دست» نسبت داده‌اند.

ابن رسته در الاعلاق النقیسه اردستان را مولد کسری انوشیروان می‌داند سپس اظهار داشته که نام اردستان از استون به واسطه زیبایی و شکوهش گرفته شده است و یعقوبی در البلدان می‌گوید: «روستای اردستان که ایرانی از دهقانان آن جایند گفته می‌شود که فرزندان انوشیروان در همین محل هستند.» (گلبن، ۱۳۸۱: ۳۶۲-۳۵۵)

گزارش موثق از قدمت اردستان در گزارش هیئت عالی باستان‌شناسی قابل مشاهده است. که مهمترین این آثار ویرانه‌های لاسری یا در تلفظ عامیانه لاسریه است. این ویرانه‌ها همان است که از نظر باستان‌شناسان محل اردستان قدیم بوده و در زبان محلی اردستان آن را آسون کهنه یا اردستون خرابه می‌نامند، که آن را متعلق به دوره ساسانی می‌دانند.

در اوایل قرن چهارم اصطخری درباره اردستان گوید: «شهری مستحکم است. دارای بارویی با پنج دروازه و یک میل مربع مساحت دارد. مسجد جامع شهر در مرکز آن واقع بود، پارچه‌های ابریشم در آنجا فراوان تهیه می‌شد و قسمت عمده آن صادر می‌گردید. (لسترنج، ۱۳۷۳: ۲۲۴) در همین گزارش «زواره» نیز همچون قسمتی از اردستان توصیف شده است: در زواره که در شمال شرقی اردستان است، چند خرابه

کهنه که گویند از آثار انوشیروان دادگر است وجود دارد. خرابه‌های فوق‌الذکر را یاقوت تحت عنوان «ازواره» نام برده گوید در آنجا ساختمان‌های مسقف بسیار و همچنین بقایای آتشکده‌ای وجود دارد که به صورت قلعه اردستان درآمده و می‌گویند انوشیروان در آنجا متولد گردیده است. (همان: ۲۲۵).

همچنین آنچه امروز می‌تواند قدمت اردستان را به بهتر وجهی نشان دهد آثار به‌جا مانده از دوره‌های گوناگون تاریخی است که مختصری از آن را ذکر می‌کنیم:

آثار تاریخی اردستان

۱- مسجد جامع اردستان که یکی از مساجد مهم و زیبای ایران محسوب می‌شود. در این مسجد بقایای گچ‌بری‌های عصر ساسانی نیز یافت شده و از دوره‌های دیلمیان، و قرون ششم (عصر سلجوقی) و دهم و یازدهم هجری قمری (عصر صفوی) آثار و خطوط بی‌ظیری در آن به چشم می‌خورد.

۲- مسجد امام حسن (بازار) که کتیبه‌ای به خط کوفی از گچ دارد که متأسفانه جز چند کلمه بقیه آن از بین رفته است و بیشتر قسمت‌های آن ویران شده است.

۳- مسجد حاجی معدل‌السلطان که در محله محال واقع است. معدل‌السلطان در اواخر عصر قاجار زندگی می‌کرد.

۴- مسجد خردآخوند که تاریخ ۱۲۴۴ را بر خود دارد.

۵- مسجد دربند که در محله مون واقع است و گنبد آجری مرتفعی دارد.

۶- مسجد دشت که محراب آن متعلق به قرن‌های هشتم و نهم است.

و مسجدهای سفید سردشت، سنگمات در محله مون.

۷- مقبره پیر اسحق در محله رامیان ۸- پیراجه و مقبره پیرعلی و پیرجمعه در محله

کبودان ۹- پیربابا صابر در محله مون ۱۰- پیرعلی کبودان در گورستان کبودان

۱۱- پیرمرتضی و پیرجمال اردستانی که بیشتر به خانقاه پیرمرتضی شهرت دارد و در

محله فرهه واقع است ۱۲- تکیه سلطان یک به احتمال از قرن نهم هجری ۱۳- مقبره

سلطان سیدحسین در گورستان محال ۱۴- قبرستان رامیان که قبر میرزاعلی منجم

اردستانی در آن واقع است ۱۵- گنبد سبز در محله رامیان به احتمال از قرن دوازدهم

هجری ۱۶- قبر میر اویس از امرا و فرماندهان عصر صفوی و به روایتی از نوادگان

انوشیروان ساسانی در شمال محله محال ۱۷- امامزاده ابراهیم‌بن مجاب در محله باب‌الرحی ۱۸- امامزاده اسمعیل در محله محال ۱۹- امامزاده موسی در محله بازار ۲۰- درهای سنگی قدیمی، هاون‌ها، سنگاب‌ها: مراد درهایی از سنگ یکپارچه سرخ‌رنگ است که از منطقه لاسیب برای در باغ‌ها می‌آورده‌اند ۲۱- آب‌انبار بازار در میدان بازار ۲۲- آب‌انبار رامیان جنب مسجد خسرو از ساخته‌های معدل‌السلطان ۲۳- آب‌انبار مسجد جامع ۲۴- باغ و ساختمان جنت‌آباد از ساخته‌های معدل‌السلطان ۲۵- مسجد سه طبقه خسرو در محله راهمیان ۲۶- خانه حکیم‌الملک (سر در) در محله مون ۲۷- خانه صدر در محله باب‌الرحی ۲۸- قنات دو طبقه (زیر و رو) در محله مون که از شاهکارهای حفر قنات و آبرسانی در ایران است ۲۹- مسجد جامع سلجوقی و مسجد پامناز در شهر زواره و چهارستونی در روستای سرهنگ‌آباد و دهها رباط و خانه و قلعه و بازار و میدان و آسیاب و آب‌انبار دیگر.

محلات و مکان‌های تاریخی شهر اردستان

- ۱- مُنجم [monajjem]: باغ بزرگی در مجاورت باغ کوشک و چهل‌خانه در محله قدیمی استون. این مکان شاید یک مرکز رصد ستارگان هم داشته است.
- ۲- بُنه [bōne]: اراضی وسیعی در شمال شرق محله تاریخی استون که پارچه‌های نخی و ابریشمی آن در اوایل دوره اسلامی و حتی پیش از این مشهور بوده است.
- ۳- رَنگَرَج [rāngrej]: باغ وسیعی در مجاورت مکان بُنه که اوایل دوران اسلامی و پیش از آن عمل رنگرزی پارچه‌ها و منسوجات در آن انجام می‌گرفته است.
- ۴- اَوِیسی [oveysi]: املاکی در مجاورت تل باستانی استون در نزدیکی باغ کیه‌کُئنو و اراضی بُنه و رَنگَرَج در محله باب‌الرحی که منزل مسکونی متعلق به میراویس از فرماندهان عصر صفوی بوده است.

۵- کَشکُو [koško]: باغات وسیعی در مجاورت چهل‌خانه و کوچه پرزه در محله باب‌الرحی.

۶- محله اُسِن [ossèn] یا [ostun] استون. از قدیمی‌ترین محله‌های اردستان که در شمال غرب شهر اردستان قرار داشته است. این محله در اثر جنگ‌ها و حملات گوناگون تاریخی به‌خصوص حملات ترکمن‌ها، ازبک‌ها و یا افغان‌ها تخریب شد و کاخ‌ها و

- بناهای تاریخی آن از میان رفت و مردم آن به محله باب‌الرحی نقل مکان کردند. این محله در زمان صفویه نیز به جدال محله مشهور بوده است.
- ۷- دش رسه [dašresse] اراضی در غرب دشت فهره.
- ۸- لون [Lun] اراضی محله فهره.
- ۹- بُن گهره [bon gahre] اراضی محله فهره.
- ۱۰- کوچه لوجوگوره [küče löw ju göre] کوچه لب جوی گبری‌ها در محله فهره.
- ۱۱- کوشکا [kuškā] اراضی در محله محال.
- ۱۲- پاتخت [pātaxi] اراضی در محله محال.
- ۱۳- قنات خسروشا [qanāte xosrow šā] قنات در محله محال.
- ۱۴- باغ شاه و قرق شاهی در محله باب‌الرحی.
- ۱۵- شارستان [šārestān] اراضی در محله مون.
- ۱۶- بشیون [bašiyūn] اراضی در محله مون.
- ۱۷- زکیان [zakiyān] اراضی در محله کبودان.
- ۱۸- سلارون [sallārūn] محله کبودان.
- ۱۹- اُرسینی [orosini] اراضی در مزرعه آهه رامیان.
- ۲۰- سلطان شاهی [soltān šāhi] اراضی در مزرعه آهه رامیان.
- ۲۱- چلخون [čelxun] باغستان و سیعی در محله باب‌الرحی.
- ۲۲- مؤمن‌آباد [momenābād] اراضی در محله باب‌الرحی.
- ۲۳- میرکی [miraki] اراضی در محله باب‌الرحی.
- ۲۴- محله اسپرز [esperez] یا اسفرز [esferez]: از محلات فرعی منشعب از محله کبودان به احتمال این واژه همان اسپریس به معنای میدان اسب‌دوانی است.
- ۲۵- محله بُرر یا باب‌الرحی [boror] یا درب آسیاب. یکی از محلات اصلی و ششگانه اردستان. این همان محله‌ای است که پس از تخریب استون بعدها باب‌الرحی و به فارسی درب آسیاب نامیده شده است و امامزاده ابراهیم در این محل قرار دارد و مدتی نیز به جدال محله مشهور بوده است.
- ۲۶- محله آبالی [ābāli] از محلات فرعی محله فهره که در مجاورت مسجد جامع اردستان قرار دارد. پیرحسین منسوب به این محله است.

۲۷- محلهٔ رمیون [remeyōn]: یا رامیان یکی از شش محلهٔ اصلی شهر در شمال شهر اردستان است که میان محلهٔ استون قدیم و محلهٔ مون قرار دارد. مسجد معروف خسرو، مقبره سلطان‌بک و پیر اسحاق از نقاط قدیمی این محل می‌باشد.

۲۸- محلهٔ فثره [fa:re] محلهٔ فثره یا فُهره یکی از شش محلهٔ قدیمی اردستان است. قلعه و دژ ارونه که قلعه میان شهر بوده و بقاع پیر مرتضی علی و پیر جمالی اردستانی از عرفای نامی قرن هشتم و نهم در این محل واقع شده است.

۲۹- محلهٔ گُون [kuvōn] محلهٔ گُون یا کبودان یکی از شش محلهٔ اردستان است که شامل کبودان، بازار و اسپرز می‌باشد و مسجد قدیمی امام حسن (ع) مربوط به دوران سلجوقیان در این محل قرار دارد.

۳۰- کُشک [košk] یا کوشک یکی از محله‌های فرعی منشعب از محلهٔ فهره.

۳۱- محلهٔ ماحال [māhāl] یا محال یکی از شش محلهٔ اصلی اردستان است. قنوات قدیمی خسرو، سهراب و همایون و امامزاده اسماعیل در این محل قرار گرفته است.

۳۲- محلهٔ مون [mūn] یا موم [mūm] یکی از شش محلهٔ اصلی اردستان است که در شمال شرق شهر اردستان واقع شده و شامل مون غرب و مون سادات می‌باشد. قنوات دو طبقهٔ مون منسوب به این محله است. از عرفای این محل پیر سلیمان یا بابا سلیمان، پیر صابر، پیر بواحمد یا بابا احمد قابل ذکر است.

مشاهیر اردستان

اردستان خاستگاه دانشمندان، فقها، حکما، ادبا و هنرمندان بسیاری است. پرداختن به زندگی و آثار آنان از حوصلهٔ این کتاب خارج است، اما یادکرد مختصری از برخی از ایشان می‌تواند چشم‌انداز روشن‌تری نسبت به این شهر تاریخی ترسیم کند.

۱- ابوبکر محمد بن ابراهیم اردستانی. از محدثین قرن پنجم هجری.
۲- ابوالحسن محمد بن عبدالواحد شافعی اردستانی. مؤلف کتاب: الدلائل السمعیة علی المسائل الشرعیة. قرن ۵ هجری.

۳- شیخ ابو عبد الله محمد بن احمد الاردستانی. از علمای شیعه. مؤلف صناعة الشعر.
۴- شیخ افضل احمد بن علی ماهابادی. از علما و فقهای شیعه. از تألیفات اوست: شرح اللمع در نحو. التبیان در نحو.

- ۵- الشیخ الامام افضل الدین ابوالحسن (یا الحسن) بن علی بن احمد الماهابادی. از علمای حدیث و فقه.
- ۶- ابوالفضائل محمد بن عبدالله زواری. از علما و خوشنویسان قرن یازدهم هجری.
- ۷- سید سراج الدین قاسم بن محمد طباطبائی زواره‌ای. اهل زواره و از علمای بزرگ شیعه و از جمله شاگردان شیخ بهایی. مؤلف کتاب‌های: الحواشی علی الکتب الاربعه و شرح بر تشریح الافلاک و حاشیه بر تفسیر بیضاوی.
- ۸- مولی ابوالحسن علی بن حسن زواری از علما و محدثین و مفسرین بزرگ امامیه از قرن دهم. مؤلف نزدیک به ۲۸ کتاب و رساله. در قرن دهم هجری.
- ۹- ملا معز اردستانی از علمای قرن یازدهم هجری.
- ۱۰- سید حسن مدرس سرابادی. از جمله علمای مبارز عصر حاضر است. شهادت ۱۳۱۷ هـ. ش
- ۱۱- مولانا محمد اردستانی. از دانشمندان و منجمین و ریاضی‌دانان عصر الغریبک.
- ۱۲- مولانا محمد صادق اردستانی. از جمله فلاسف و حکمای قرن یازدهم و دوازدهم هجری.
- ۱۳- میرزا ابوالحسن جلوه. از دانشمندان و حکما و شعرای بزرگ. متوفی ۱۳۱۴ هـ. ق.
- ۱۴- پیر مرتضی علی اردستانی. از عارفان بزرگ شیعه در قرن هشتم هجری. مدفون در محله فهره اردستان.
- ۱۵- پیرجمالی اردستانی. وی از عارفان بزرگ شیعه قرن نهم هجری و از مریدان پیرمرتضی اردستانی. وی از شاعران بزرگ عصر خود نیز محسوب است. پیرجمالی در محله فهره اردستان مدفون است.
- ۱۶- ملاذوقی اردستانی. از عرفا و شعرای قرن یازدهم هجری.
- ۱۷- حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید میرزا علی طباطبائی نژاد ابوی بزرگوار حضرت آیت الله حاج سید یوسف طباطبائی نژاد، امام جمعه محترم اصفهان.
- ۱۸- افضل اردستانی. از خوشنویسان بزرگ خط نسخ در عصر شاه سلیمان صفوی. وی شعر نیز می‌سروده است.
- ۱۹- وحشت اردستانی. از خوشنویسان خطوط شکسته، تعلیق و نستعلیق و از شاعران قرن یازدهم هجری.
- ۲۰- مجمر زواره‌ای. مجتهد الشعرا، مجمر (مشهور به اصفهانی) از پیشگامان مکتب بازگشت، متوفی ۱۲۲۵ هـ. ق.

- ۲۱- فدای اردستانی. از اجلة سادات اردستان و از احفاد حکیم الملک بانی مدرسه کاسه‌گران اصفهان.
- ۲۲- روشن اردستانی. ملا محمد صادق اردستانی متخلص به روشن از خوشنویسان و شاعران عصر خویش. متوفی سال ۱۳۰۵ ه.ق.
- ۲۳- گریان شهرابی. ملا حسین بن ملا عبدالله شهرابی اردستانی. از شعرای قرن چهاردهم هجری.
- ۲۴- صدرالکتاب اردستانی. از فضلا و خوشنویسان خطوط نسخ، رقاع و شکسته در دربار ناصرالدین شاه قاجار.
- ۲۵- حکیم اردستانی. از اطباء و خوشنویسان بزرگ خط شکسته. متوفی ۱۳۲۷ ه.ق.
- ۲۶- ناظم الاطباء اردستانی. از اطباء و خوشنویسان خطوط نسخ و شکسته. متوفی ۱۳۰۹ ه.ق.
- ۲۷- یزدی طباطبایی زواره‌ای. از فضلا و خوشنویسان. متوفی ۱۳۶۴ ه.ق.
- ۲۸- مولی عبدالله طبیب اردستانی از طبیبان قرن هشتم و نهم هجری.
- ۲۹- حسینی اردستانی. از اطباء فاضل و مؤلف کتاب معالجه الامراض به زبان عربی.
- ۳۰- حکیم الملک اردستانی. از حکما و اطباء مشهور عصر اورنگ زیب و بانی مدرسه حکیمیه یا کاسه‌گران.
- ۳۱- معین الاطباء اردستانی. از اطباء و فضلاء قرن چهاردهم هجری.
- ۳۲- محیی الحکمه اردستانی. از فضلا و اطباء بزرگ قرن چهاردهم هجری.

گویش اردستانی

گویش اردستانی در مجموعه‌ای همسان تحت عنوان گویش‌های مرکزی ایران قرار می‌گیرد. مجموعه گویش‌های مرکزی ایران خود جزء گویش‌های ایرانی غربی است. این تقسیم‌بندی بر اساس ارتباط خانوادگی، زبانی، موقعیت جغرافیایی و هویت قومی این گویش‌ها بوده است. گویش‌های مرکزی ایران به نظر ویندفور هسته گویش‌های غربی است. (اشمیت، ۱۳۸۳: ۴۸۵) مهمترین گویش‌های ایرانی غربی که گویش‌های مرکزی ایران را احاطه کرده است عبارت‌اند از: کردی، تالشی، تاتی، هرزی، وفسی، الویری، گویش‌های حاشیه دریای خزر، گیلکی، مازندرانی، بلوچی، بشاگردی، دوانی، سیوندی، لری و کُمزاری.

گویش‌های مرکزی ایران را به چهار گروه تقسیم کرده‌اند:

- ۱- گویش‌های شمال غربی شامل گویش‌های: خوانساری، محلاتی، وانسانی.
 - ۲- گویش‌های شمال شرقی. شامل گویش‌های: آرانی، گویش کلیمیان کاشان، قهرودی، جوشقانی، ابیان‌ای، فریزندی، یرندی، سیم‌ای، سویی، کشه‌ای، تاری، نطنزی، ابوزیدآبادی، بادرودی.
 - ۳- گویش‌های جنوب غربی، شامل گویش‌های: سده‌ای، کفرانی، گزی، یهودیان اصفهان، ورزنه‌ای.
 - ۴- گویش‌های جنوب شرقی، شامل گویش‌های: اردستانی، انارکی، بهدینی (گویش زردشتیان یزد و کرمان) نائینی، زفره‌ای، گویش کلیمیان یزد و کرمان.
- خارج از این تقسیم‌بندی باید از گویش‌های زیر نیز یاد کرد:
- ۱- از گویش‌های تفرش شامل: وفسی، آشتیانی، تکه‌کی، آمره‌ای، الویری و ویدری.
 - ۲- گویش‌های دشت کویر، شامل گویش‌های: خوری، قروی، مهرجانی و ...
- (اشمیت، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۸) و (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۳-۴) و (ابراهیمی، ۱۳۸۴:)

پیشینه مطالعات گویش اردستانی

درباره گویش‌های مرکزی ایران نخست باید از مطالعات گایگر یاد کرد: (اشمیت، ۱۳۸۳، ۵۱۷). گایگر در مطالعات خویش ضمن مطالعه زبان‌های ایرانی به مطالعه گویش‌های مرکزی ایران نیز اهتمام ورزیده است. ژوکوفسکی (zukovski, 1888)، مان (Mann, 1926)

و ایوانف (Ivanow, 1926) از پیشگامان مطالعات در گویش‌های مرکزی ایران هستند. اما هیچ‌کدام از این پژوهشگران به مطالعه مستقلی درباره گویش اردستانی اهتمام نورزیده‌اند. نخستین پژوهش مستقل را هارولد بیلی در سال ۱۹۳۵ تحت عنوان «اردستانی» در مجله BsoS به چاپ رساند. (Bailey, 1981:177-184) مقاله بیلی دربردارنده یک مقدمه بسیار مختصر درباره ویژگی‌های آوایی گویش اردستانی، سپس بخش صرف شامل اسم، فعل، مصدر، فهرست افعال (حدود ۵۰ فعل) و فهرست واژگان (حدود ۱۹۰ واژه) و یک متن به گویش اردستانی (حدود ۳۷ سطر) است.

مقاله بیلی با توجه به فرصت کم او (بنا به گفته خودش) و اینکه مواد و مصالحش را فقط با استفاده از یک گویشور به نام «عباس آقا بشارت» در اصفهان، تهیه کرده است، ابتدایی، خام و ناتمام است، اما با همه اینها در زمان خودش و حتی امروز به دلیل آن که هنوز هیچ کار ارزشمند و پرمایه‌ای درباره این گویش به چاپ نرسیده است ارزشمند و مفیدفایده است. به نحوی که نخستین مطالعات پیر لکوک، مهمترین پژوهشگر غربی گویش‌های مرکزی ایران متکی بر همین مقاله بیلی است. اما نخستین پژوهش منسجم و متمرکز و تطبیقی را پیر لکوک (P. LECOQ) انجام داده است، لکوک تاکنون دو مقاله در زمینه گویش اردستانی به چاپ رسانده است. مقاله اول او تحت عنوان «اردستانی» در دایرةالمعارف «ایرانیکا» به چاپ رسیده است (IRANICA: vol 1: 387-388) و در کتاب «راهنمای زبان‌های ایرانی» مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «گویش‌های مرکزی ایران» نوشته است، که در مقاله دوم به مطالعه تطبیقی گویش اردستانی با گویش‌های مشابه و همجوار آن (یزدی، کرمانی، کلیمیان کرمان، نائینی، انارکی و زفره‌ای) پرداخته است. (اشمیت، رودیگر، ۱۳۸۳: ۵۱۷-۵۳۹).

مقاله اول لکوک در «ایرانیکا» بسیار مختصر فراهم شده. اما در همین مختصر، شمای کلی آوایی، صرفی و واژگانی گویش اردستانی را ترسیم می‌کند. این مقاله تنها کار مستقلی است که پس از مقاله بیلی در ۱۹۳۲ تاکنون درباره گویش اردستانی منتشر شده است. لکوک در انتهای هر دو مقاله اعلام کرده است که کتابی چهار جلدی تحت عنوان:

Recherches sur les dialectes du center de L'Iran. these non Publiee"

«پژوهش‌هایی درباره لهجه‌های مرکزی ایران (چاپ نشده)». در دست انتشار دارد، این کتاب به بررسی و مطالعه تطبیقی گویش‌های قهرودی، ابوزیدآبادی، اسیانه‌ای، تاری،

اردستانی، نائینی، انارکی، ورزنه‌ای و بادرودی پرداخته است. در ایران متأسفانه تاکنون درباره گویش اردستانی هیچ کار مستقلی انجام نگرفته است. مطالعات مسعود پورریاحی (پورریاحی، ۱۳۶۲) تنها درآمدی بر جمع‌آوری این گویش است و مقالات احسان‌الله هاشمی اردستانی دربردارنده اصطلاحات گوناگون گویش اردستانی (کشاورزی، دامپروری، بافندگی و...) است. (ابراهیمی، قربانعلی، ۱۳۸۵).

کوشش‌های سید احسان‌الله هاشمی با وجود آنکه فاقد آوانویسی است، اما پرتوهای روشنی بر زبان و فرهنگ اردستان تابانده است.

همین جا فرصتی معظم است که از کوششهای اردستان‌شناسان دیگری همچون: مرحوم محمود مولوی اردستانی، حاج مرتضی شفیعی اردستانی، محمد گلین، ایرج افشار، رفیعی مهرآبادی، محمدحسن رجائی زفره‌ای، آزاد بروجردی، سید فرید قاسمی، سیدعلی آل‌داوود و سید محمد محیط طباطبایی و نیز کسانی که نامشان به دلیل کم دانشی ما از قلم افتاده است، یاد کنیم. هر کدام از این بزرگان در شناختن و شناساندن منطقه اردستان رنج‌هایی را بر خویش هموار کرده‌اند و به فراخور، هر کدام شاخه گلی یا باغی و بستانی تقدیم به این کویرنشینان خاموش و قانع و صبور کرده‌اند. اجرشان مشکور باد. آمین.

در انتها بر خود واجب می‌بینیم کمال تشکر و امتنان خود را تقدیم حضرت آیت‌الله سید یوسف طباطبایی امام جمعه محترم اصفهان نمایم که خود اردستانی‌الاصل هستند و به حسن تصادف کتاب حاضر را مطالعه فرمودند و ضمن تشویق و راهنمایی مؤلفان، نکته‌های سودمندی را یادآور شدند.

نشانه‌های آوانویسی

معادل فارسی	مثال اردستانی	مشخصات آوایی	معادل فارسی	صامت‌ها
پسر	por	انسدادی، دو لبی، بی‌واک	پ	P
دسته، گروه	bor	انسدادی، دو لبی، باواک	ب	b
تیغ، خار	ti	انسدادی، دندانی - لثوی، بی‌واک	ت، ط	t
درد	dād	انسدادی، دندانی - لثوی، باواک	د	d
شل	ko	انسدادی، نرم‌کامی، بی‌واک	ک	k
گاو	ga	انسدادی، نرم‌کامی، باواک	گ	g
کلاغ	qālā	انسدادی، ملازی، باواک	ق	q
آسیاب	> or	انسدادی، چاکنایی، بی‌واک	همزه	>
فراوان	fārāvōn	سایشی، لبی - دندانی، بی‌واک	ف	f
بانگ، اذان	vōng	سایشی، لبی - دندانی، باواک	و	v
سنگ	sang	سایشی، دندانی - لثوی، بی‌واک	ث، س، ص	s
داماد	zumu	سایشی، دندانی - لثوی، باواک	ذ، ز، ض، ظ	z
شیر (خوراکی)	ši	سایشی، لثوی - کامی، بی‌واک	ش	š
خِر = گلو	xer	سایشی، نرم‌کامی (ملازی)، بی‌واک	خ	x
زاغو (نوعی انار)	zāyō	سایشی، ملازی، باواک	غ	γ
هاشی، بچه شتر	hāsi	سایشی، چاکنایی، بی‌واک	ح، ه	h
چوب	čō	انفجاری - سایشی، لثوی - کامی، بی‌واک	چ	č
چار، فریاد	ĵār	انفجاری - سایشی، لثوی - کامی، باواک	ج	ĵ
مادر	mār	غنه‌ای، دو لبی، باواک	م	m
نمناغ	nānā	غنه‌ای، دندانی - لثوی، باواک	ن	n
کچل	kal	کناری، لثوی، باواک	ل	L
آسیاب	> or	لرزشی، لثوی، باواک	ر	r
یا هم	yu	نیم مصوت، کامی	ی	y

معادل فارسی	مثال اردستانی	مشخصات آوایی	معادل فارسی	مصونها
ده، روستا	dā	پیشین، باز، گسترده، کشیده	آ	ä
دام	tale	پیشین، باز، گسترده	آ	a
پیه، چربی	pi	پیشین، بسته، گسترده	ای	i
شیر	šēr	پیشین، نیمه بسته، گسترده، کشیده	ـ	ē
پریروز	pere	پیشین، نیمه بسته، گسترده	ـ	e
زیر گلو	Jēnā	پیشین، نیمه بسته، گسترده	ـ	ē
زن	Jən	پیشین، نیمه باز، گسترده (بین e و a)	بین و ـ	3
چیدن	čēn	پیشین، نیمه بسته، گسترده، خیشومی شده	ـ	ē
تُف	tōf	پیشین، نیمه بسته، گرد	ـ	ö
جارو	Jārū	پیشین، بسته، گرد	او	ü
تور، دام	tur	پسین، بسته، گرد	او	u
کارَد	kūt	پسین، بسته، گرد، خیشومی شده	او	ū
چرخ، غلت	tor	پسین، نیمه بسته، گرد	ـ	o
دان	dōn	پسین، نیمه بسته، نیمه گرد، کوتاه (خیشومی شده)	ـ	ō
داس	dōr	پسین، نیمه بسته، گرد، کشیده	ـ	ō
آسان	xār	پسین، باز، گرد	آ	ā
شاهرگ	šā:req	پسین، باز، گرد یا کشش جبرانی مصوت	آ	ā:
پنج	bānj	پسین، باز، گرد، خیشومی شده	آ	ā

دیگر نشانه‌ها

/	گونه
[]	آوانویسی
/ /	واج نویسی
ˈ	تکیه
ː	غنه شدگی
a: مانند	کشش جبرانی مصوت:
>	همزه